

## داغ ننگ، کیفیت روابط اعضای خانواده و سلامت روان خانواده زندانیان<sup>۱</sup>

منصوره اعظم آزاده\*، مرضیه مشتاقیان\*\*

(تاریخ دریافت ۹۵/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۶/۰۲/۰۵)

**چکیده:** با توجه به اهمیت حفظ و ارتقاء روابط اعضای خانواده طی دوران حبس، مقاله حاضر با استفاده از روش پیمایش، به بررسی روابط بین داغ ننگ (متغیر مستقل)، کیفیت روابط اعضای خانواده (متغیر واسطه)، و عدم سلامت روان اعضای خانواده (متغیر پیامد) می‌پردازد. در این تحقیق داغ ننگ در دو بعد تعاملی و جنسیتی، کیفیت روابط اعضای خانواده در سه بعد روابط زن- شوهر، روابط فرزند-مادر، و روابط فرزند-پدر، و عدم سلامت روان در سه بعد افسردگی، و اضطراب زن سرپرست خانوار و اختلال سلوک فرزندان عملیاتی شده است. نمونه‌گیری پیمایش از نوع سیستماتیک و شامل ۲۲۲ نفر از زنان سرپرست خانوار تحت حمایت انجمن حمایت از زندانیان مرکز (تهران) است. مبتنی بر یافته‌ها در دامنه ۱ تا ۶، میانگین کیفیت روابط اعضای خانواده ۳/۶، و در حد متوسط بود. افزایش داغ ننگ با کاهش کیفیت روابط اعضای خانواده همبستگی داشت. همچنین افزایش داغ ننگ، افزایش میزان عدم سلامت روان خانواده را همراه داشت. کاهش کیفیت روابط اعضای خانواده نیز با افزایش میزان عدم سلامت رابطه داشت. مطابق یافته‌های تحلیل چندمتغیره، ۱۵ درصد از تغییرات واریانس افسردگی زنان با ورود متغیرهای کیفیت روابط زن- شوهر، و کیفیت روابط فرزند-مادر، ۱۴ درصد از تغییرات واریانس اضطراب زنان با ورود متغیرهای کیفیت روابط فرزند-مادر، و تعداد افراد تحت تکفل

۱. این مقاله برگرفته از تحقیق "بررسی تأثیر کمک‌های مادی و غیرمادی نهادهای حمایتی بر کیفیت زندگی خانواده‌های زندانیان کشور" است که با همکاری انجمن حمایت از زندانیان کشور در سال ۱۳۹۰ انجام گرفت.

\* دانشیار و عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء (نویسنده مسئول)

maazadeh@yahoo.com

moshtaghianm@yahoo.com

\* دانش آموخته کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی دانشگاه الزهراء

مادر، و ۲۳/۴ درصد از واریانس اختلال سلوک فرزندان با ورود متغیرهای کیفیت رابطه فرزند- پدر، کیفیت رابطه فرزند- مادر و سرانه درآمدی خانوار به معادله رگرسیونی تبیین شد.

**مفاهیم کلیدی:** خانواده زندانیان، کیفیت روابط اعضای خانواده، داغ ننگ، سلامت روان

### مقدمه و طرح مسئله

کارکرد و موقعیت شایسته خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نه تنها پایه و مبنایی برای همبستگی اعضای خانواده، بلکه خالق فرصت‌های عینی و قابلیت‌های روانی به‌ویژه برای فرزندان، و مانع فراگیری آسیب‌ها و مسائل اجتماعی است. بنابراین حفظ و تحکیم بنیان خانواده یکی از دغدغه‌های همیشگی ارگان‌هایی است که به نحوی درگیر آسیب‌های اجتماعی هستند. تلاش برای کاهش نرخ ارتکاب جرم و حبس به عنوان یکی از مسائل اجتماعی نیز با نهاد خانواده پیوند می‌یابد. یافته‌های تحقیقی متعدد، ازدواج مردان را دارای ظرفیت یگانه‌ای برای کاهش جذابیت رفتار مجرمانه آنان می‌دانند. مردانی که ازدواج می‌کنند- بویژه افراد دارای سابقه کیفری- به طور چشم‌گیر با احتمال کمتری درگیر جرم و جنایت می‌شوند (ایپل، ۲۰۱۶: ۱۰۳). نقش همسران به عنوان منبع مهم حمایت عاطفی و مادی زندانیان سابق، که به مثابه پلی، آن‌ها را به خویشاوندان گسترده پیوند می‌دهد (سیانک و همکاران، ۲۰۱۴: ۲)، همچنین نقش تماس‌های خانوادگی در طی دوره حبس در نرخ‌های پایین‌تر تکرار جرم تأیید شده است (لاوین و همکاران، ۲۰۰۵: ۳۱۶).

با این وجود زندگی زناشویی زندانیان سابق، کاملاً شکننده است. حبس با کاهش سرمایه اجتماعی، بحران مالی و مشکلات عاطفی و دشواری‌های سازگاری خانواده همراه است و استحکام پیوندهای خانوادگی متعاقب یک دوره حبس تضعیف می‌شود (مسگلیا و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۳۳). فرایند بازگشت و ادغام زندانیان نیز تحت تأثیر تعارض با شریک زندگی- دومین مشکل شایع مجرمان سابقه‌دار پس از سوء مصرف مواد- قرار می‌گیرد (لاوین و همکاران، ۲۰۰۵: ۳۱۶). حتی در بین زوج‌هایی با کیفیت بالای روابط قبل از حبس، زمان جداگانه سپری‌شده می‌تواند به ارتباط ضعیف، کاهش روابط حمایت‌گرایانه و افزایش تعارض منجر شود. تجربه حبس می‌تواند مردان را در زندگی خانوادگی به درگیر شدن در رفتارهای خشونت‌آمیز تشویق کند. شرکای زندگی که تنزل چشم‌گیر کیفیت روابط خود را تجربه می‌کنند احتمالاً پیوندشان را حفظ نمی‌کنند (ترنی، ۲۰۱۴: ۲۲). نتایج تحقیق ایپل (۲۰۱۶) نیز نشان می‌دهد تأثیر مخرب حبس بر زندگی مشترک و واحدهای خانوادگی وسیع و فوری است. این تأثیر در ماه‌های اولیه پس از آزادی از زندان آغاز و حداقل تا ۵ سال پس از آن تداوم می‌یابد. احتمال انحلال زندگی خانوادگی زندانیان طی اولین ماه آزادی از حبس بیش از پنج برابر افراد غیرزندان است.

یافته‌های تحقیقات داخلی نیز مؤید وضعیت مشابهی است. تحقیق عبدی، (۱۳۸۱) نشان می‌دهد بیش از ۴۰ درصد مردان و حدود ۵۴ درصد زنان زندانی، بی‌اعتنایی و یا طرد از خانواده و خویشان را پس از اولین آزادی تجربه کرده‌اند. ادغام ناموفق در حلقه روابط خانوادگی از جمله عوامل تکرار جرم و حبس مکرر است و مهم‌ترین عامل مؤثر در وقوع یا تقاضای طلاق از مردان زندانی، سابقه‌دار بودن آن‌هاست.

نه صرفاً روابط زوجین، بلکه کیفیت و کمیت روابط فرزندان و والدین نیز طی دوره حبس دچار تنش می‌شود.

حفظ تماس معنادار با کودک طی دوران حبس بی‌نهایت دشوار است. بسیاری از کودکان والد زندانی‌شان را ملاقات نمی‌کنند و برخی هیچ تماسی با آن‌ها ندارند. پدران زندانی، حفظ رابطه با کودکان را به دلایلی چون کوتاه بودن زمان ملاقات، شرایط محل ملاقات، و فقدان اقتدارشان دشوار می‌دانند. والدین غیرزندان نیز که فاقد تجربه قبلی نقش نظارتی و انضباطی بر فرزندان هستند، دشواری‌هایی را در تقبل این نقش تجربه می‌کنند (ویور و نولان، ۲۰۱۵: ۵).

حبس همچنان که تضعیف کیفیت سرپرستی فرد زندانی را در پی دارد، بر کیفیت سرپرستی فرد جایگزین (اغلب مواقع مادر) نیز مؤثر است. افزایش تحریک‌پذیری و کج‌خلقی والدین تحت تنگناهای حبس، به رفتارهای تنبیهی، دمدمی مزاجی و به طور کلی رفتارهای غیرحمایتی در قبال کودکان می‌انجامد (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۳). نتایج تحقیق احمدی و ایمان (۱۳۸۵)، و جعفری و نیک‌پور (۱۳۸۶) نیز گواه آن است که در شرایط حبس پدر- به عنوان کانون اقتدار در خانواده- کنترل و نظارت مادر بر فرزندان تضعیف شده و آنان احساس خودمختاری بیشتری می‌کنند.

بنابراین هرچند سیاست‌گذاری‌ها راجع به ادغام مجدد زندانیان، خانواده‌ها را عاملی ارزشمند می‌داند اما فشار وارده به خانواده طی دوران حبس، منجر به تزلزل روابط اعضای خانواده و زندانی می‌شود که پیامدهایی را در زمان آزادی خواهد داشت. همین مسئله، علامت سؤالی در برابر سیاست‌گذاری ادغام مجدد باقی می‌گذارد (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۷).

در پاسخ به این پرسش که چه عواملی منجر به خدشه‌دار شدن پیوند اعضای خانواده زندانیان و تضعیف انسجام خانواده می‌شود، ادبیات تحقیق به عوامل متعددی اشاره می‌کند. شاید ساده‌ترین پاسخ نفس جدایی فیزیکی اعضای خانواده باشد.

این حقیقت که افراد زندانی در جامعه آزاد نیستند و بنابراین تماس و ملاقات‌های‌شان به شدت محدود می‌شود، مطمئناً آنان را واجد شرایط اختلال در روابط‌شان می‌سازد (لاوین و همکاران، ۲۰۰۵: ۳۱۶). در حالی که پیوندهای معنادار در مرکز ازدواج‌های موفق قرار دارند، به نظر می‌رسد حبس از تعامل معنادار جلوگیری می‌کند و ارتباطات فیزیکی و عاطفی را محدود می‌سازد (مسگلیا و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۴۸).

سازوکار سازمان زندان نیز پیش‌برد روابط نزدیک و صمیمانه را دشوار می‌سازد. افراد زندانی تماس‌هایی محدود، تنظیم‌شده، سازمان‌یافته و رسمی با شریک زندگی خود دارند. زندان‌ها اغلب دور از اجتماع ساکنین قرار دارند که ملاقات را زمان بر و پرهزینه می‌سازد. ساعات ملاقات محدود، برنامه ملاقات غیرمنعطف، فقدان حریم خصوصی و محدودیت تماس فیزیکی، ارتباط زوجین را کاهش می‌دهد. بنابراین افراد محبوس کمابیش از صمیمیت خانوادگی محروم می‌شوند (افری دوا و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۸۸).

حبس همچنین از طریق کاهش رفاه اقتصادی خانواده بر کمیت و کیفیت روابط اعضای تأثیرگذار است. مردان زندانی فرصت‌های کمی برای کسب درآمد دارند و سابقه کیفری‌شان، یافتن کار بعد از آزادی را دشوار می‌سازد. حبس موجب تشدید تنگناهای مادی، و افزایش اتکا به انواع کمک‌های عمومی می‌شود. فشار مرتبط با ناامنی اقتصادی می‌تواند تعارض را درون خانواده‌ها افزایش دهد (ترنی، ۲۰۱۴: ۲۲).

عامل دیگر، تغییر و ابهام در نقش‌های جنسیتی است. در شرایط حبس مردان، زنان تصمیم‌گیرنده اصلی خانوار می‌شوند. هر چند برخی زنان این تغییر را از طریق تصمیم‌گیری در خلال بحث در زمان ملاقات کاهش می‌دهند، مردان که نگران از دست دادن نقش‌شان به عنوان همسر و پدر در خانواده هستند ممکن است با روش‌های ناسالم (استفاده از تسلط و تهدید برای کنترل زنان، آزار و حتی خشونت زنان در طی ملاقات‌های زندانیان)، درصدد دفاع از قدرت‌شان برآیند (افری دوا و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۸۸). مردان زندانی وضعیتی آستانه‌ای<sup>۱</sup> (نه اینجا و نه آنجا) با حقوق و تعهداتی مبهم و جنبه‌های نامشخص آینده را تجربه می‌کنند. در مرحله آستانه‌ای نقش‌های افراد بین آنچه پشت سر گذاشته‌اند و آینده‌ای نامعلوم، معلق و به طور فزاینده‌ای مبهم می‌ماند. این وضعیت پیامدهای منفی پایداری بر افراد و روابط خانوادگی دارد (ترنی، ۲۰۱۴: ۲۲).

تغییر شخصیت زندانیان از دیگر عوامل تضعیف‌کننده انسجام خانوادگی آنان است. دستورات عمل‌های خشن زندان، محرومیت از حریم شخصی و آزادی، و محیط استرس‌زا، عواقب خود را در رشد شخصیت مردان نشان می‌دهد. انطباق زندانیان با شرایط زندگی غیرطبیعی حبس، ویژگی‌های مردانه- مانند قدرت و تسلط در رابطه با دیگران- را توسعه می‌دهد که غالباً با ویژگی‌های شخصیتی مورد نیاز برای بقاء روابط صمیمانه تعارض دارد. نگرانی زندانیان در مورد سلامت و ایمنی‌شان در محیط زندان، منجر به احتیاط بیش از حد و متعاقباً بی‌اعتمادی بین شخصی و فاصله روانی می‌شود. نشانگان (سندروم) "ماسک زندان"<sup>۲</sup> نیز با ویژگی بی‌حالتی عاطفی، سرکوب احساسات، و کنارکشیدن از تعاملات اجتماعی سالم در بین زندانیان معمول است. همه این

1. Liminal

2. Prison mask

تغییرات می‌تواند برای بقاء در محیط زندان لازم باشد، اما روابط صمیمانه را مشکل سازد (افری دوا و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۸۸).

یکی از دیگر پیامدهای ناخواسته حبس بر خانواده زندانیان که ممکن است بر انسجام خانواده و کیفیت و کمیت روابط خانوادگی زندانیان مؤثر باشد، داغ ننگ است.

داغ ننگ یک ویژگی عمیقاً بی‌اعتبارکننده است که مبتنی بر پندارهای قالبی، فرد دارای آن ویژگی در ذهن دیگران از یک فرد معمول و کامل به فردی خدشه‌دار شده تنزل می‌یابد. این ویژگی و تصورات منفی دیگران از آن، به رفتار اجتنابی یا تبعیض‌آمیز نسبت به فرد داغ‌نشان می‌انجامد. برخی از ویژگی‌های بی‌اعتبارکننده (از جمله مجرمیت و حبس) دارای کیفیتی «چسبنده» هستند، بدین معنا که از فرد داغ‌نشان (زندانی) به افراد نزدیک (صمیمی)، و به ویژه خویشاوندان انتقال می‌یابند (هاننم، ۲۰۰۸).

داغ ننگ دارای چهار ویژگی اساسی "تنزل ارزش"، "برچسب‌زنی"، "کلیشه‌های منفی"، و "تبعیض" است و سه نوع داغ ننگ تعریف شده است: "داغ ننگ ساختاری"<sup>۱</sup>، "داغ ننگ عمومی"<sup>۲</sup>، و "داغ ننگ مرتبط با وابستگی"<sup>۳</sup>. داغ ننگ ساختاری به عدم تعادل و بی‌عدالتی در نهادهای اجتماعی اشاره دارد. داغ ننگ عمومی، نگرش‌های منفی عموم جمعیت نسبت به گروه داغ‌نشان را توصیف می‌کند و داغ ننگ مرتبط با وابستگی، تبعیض ناشی از ارتباط داشتن با افراد داغ‌نشان تعریف می‌شود (پارک و پارک، ۲۰۱۴: ۱۶۶). یکی از اشکال داغ‌ننگ مرتبط با وابستگی، داغ ننگ خانواده زندانیان است.

این بحث که آیا حبس صرفه‌نظر از سازوکار سازمانی زندان و مکانیزم جدایی فیزیکی اعضاء خانواده- که به تغییر نقش‌های جنسیتی، تغییر شخصیت زندانیان، و مشکلات اقتصادی می‌انجامد- قادر است از طریق کارکرد داغ ننگ بر کیفیت روابط اعضاء خانواده زندانیان مؤثر باشد را می‌توان با توجه به کیفیت روابط خانواده‌هایی که به دلایلی جز حبس داغ‌نشان شده و بنابراین جدایی فیزیکی را متحمل نشده‌اند، مورد گمانه‌زنی قرار داد.

آمارها در مورد ثبات و کیفیت روابط زوجین در ایالات متحده نشان می‌دهد در سراسر هویت‌های اجتماعی مختلف، اعضاء گروه‌های داغ‌نشان به طور مداوم سطح بالاتری از اختلال در کیفیت روابط عاشقانه را در مقایسه با اعضاء گروه‌های مسلط تجربه می‌کنند. برای مثال تفاوت‌های نژادی و جنسیتی فاحشی مرتبط با ازدواج و طلاق وجود دارد (متی‌دویل و مولکس، ۲۰۱۴a: ۱۰۲).

- 
1. Structural stigma
  2. Public stigma
  3. Stigma by association

در هر حال آنچه در مورد خانواده زندانیان به کرات مستند شده، کارکرد منفی داغ ننگ خانواده زندانیان بر روابط اجتماعی‌شان است که به ایجاد نوعی شکاف و فاصله بین آنان و اجتماع بزرگ‌تر می‌انجامد. مطالعات متعدد نشان می‌دهد در طی دوران حبس، کمیت و کیفیت روابط اجتماعی خانواده زندانیان با بستگان، افراد محله و اجتماع تضعیف و با تنش همراه می‌شود. همچنین بار احساسی چنین روابطی برای زنان سرپرست خانوار مواردی چون احساس انزوا، شرم، و بی‌آبرویی، احساس ناسازگاری و بی‌رحمی مردم نسبت به آن‌ها، احساس عدم درک مشکلات خانواده زندانیان، و سرخوردگی از اجتماع است (احمدی و ایمان، ۱۳۸۵؛ جعفری و نیکپور، ۱۳۸۶؛ احمدی و نیکپور، ۱۳۸۹؛ رستگار انارمرزی، ۱۳۸۶).

حال پرسش مطرح این است که داغ ننگ به عنوان عامل مخدوش‌کننده روابط خانواده زندانیان با اجتماع بزرگ‌تر، چه ارتباطی با روابط درون خانوادگی زندانیان دارد؟ آیا طردشدگی خانواده از اجتماع (برون‌گروه) منجر به تضعیف روابط خانوادگی (درون‌گروه) می‌شود؟ پیامد داغ ننگ و کیفیت روابط اعضای خانواده بر سلامت روانی و رفتاری اعضای غیرمحبوس خانواده چه خواهد بود؟

### پیشینه تجربی

تحقیقات داخلی متعددی به ارزیابی کلی و تقریباً همه‌جانبه کیفیت زندگی خانواده زندانیان، و غالباً با رویکردی مقایسه‌ای (قبل و بعد از حبس) پرداخته‌اند. اما در این تحقیقات بحثی از کیفیت روابط و ملاقات خانواده با زندانی در میان نیست (احمدی و ایمان، ۱۳۸۵؛ جعفری و نیکپور، ۱۳۸۶؛ احمدی و نیکپور، ۱۳۸۹؛ رستگار انارمرزی، ۱۳۸۶). در مقابل شاید بتوان گفت یکی از موضوعات مورد تأکید تحقیقات غربی، روابط خانوادگی و تنش‌های این روابط در بین اعضای بلافصل و ملاقات طی دوران حبس می‌باشد.

سیانک و همکاران (۲۰۱۴) با هدف تشریح مکانیزم‌های رابطه بین حبس و طلاق و با استفاده از داده‌های طولی آینده‌نگر به این نتیجه رسیدند که وقوع حبس در طول مدت ازدواج (و نه قبل از آن) با افزایش مخاطره طلاق همراه می‌شود. حبس به طور غیرمستقیم از طریق سطح پایین عشق زناشویی، فشار اقتصادی، خشونت ارتباطی، و روابط خارج از ازدواج، با طلاق مرتبط است. این مشکلات ارتباطی که از لحاظ نظری از داغ ننگ حبس نیز نشأت می‌گیرند تقریباً ۴۰ درصد رابطه بین حبس و فسخ پیوند زناشویی را تبیین می‌کند.

مسگلیا و همکاران (۲۰۱۱) در تلاش برای پاسخ به این پرسش که آیا داغ ننگ یا صرفاً طول مدت جدایی فیزیکی است که زوج‌های دارای تجربه حبس را از هم می‌راند، به مقایسه دو گروه افراد دارای تجربه حبس و پرسنل نظامی پرداختند. هر دو گروه مذکور در تجربه جدایی فیزیکی از همسر

مشترک هستند، اما گروه دوم از داغ ننگ رنج نمی‌برد. نتایج تحقیق نشان داد در تبیین انحلال ازدواج، جدایی فیزیکی از همسر نسبت به داغ ننگ بااهمیت‌تر است.

متی دوپل و مولکس (۲۰۱۴b)، تأثیرات منفی تبعیض ادراک‌شده بر کیفیت روابط زوجین متعلق به گروه‌های داغ‌نشان را مدنظر قرار دادند و به بررسی نقش واسط تصویر از خود در این رابطه پرداختند. داده‌ها از دو مطالعه مقطعی با نمونه‌هایی متشکل از اقلیت‌های نژادی و اقلیت‌های جنسی (به عنوان دو گروه داغ‌نشان)، حمایت‌هایی برای این مدل فراهم کرد. مبتنی بر یافته‌ها، اعضاء گروه‌های داغ‌نشان که موارد بیشتری از پیش‌داوری، تعصب و تبعیض را گزارش دادند، تصویر کمتر مثبتی از خود و اختلال بیشتری در کیفیت روابط را نشان دادند. ارتباط منفی بین تبعیض درک‌شده و کیفیت روابط عاشقانه تا حدودی با اختلال تصویر از خود وساطت می‌شد.

پاگ (۲۰۰۵) طی پیمایشی از افراد ملاقات‌کننده و بحث متمرکز گروهی با زندانیان بر نقش ملاقات و ارتباط با خانواده برای زندانی، و سایر اعضاء خانواده تأکید دارد و پیشنهاد می‌کند پیوندهای خانوادگی در زندان تقویت شوند، دوره‌های فرزندپروری برای زندانیان فراهم گردد، امکانات فیزیکی محل ملاقات زندانیان افزایش یابد، امکان ملاقات در فضای اجتماعی مهیا شود، و بعد از آزادی زندانی با تعیین افسر رابط خانواده سعی شود که خانواده و خود زندانی با اجتماع محلی ارتباط برقرار نماید.

کلارک و همکاران (۲۰۰۵) مطالعه‌ای درباره روابط پدر- فرزند در سه زندان انگلیس انجام دادند. بسیاری از مردان زندانی اظهار کردند، در حفظ روابط عاطفی و عملی با اعضای خانواده دچار مشکل شده‌اند و نقش پدری آنان به خاطر محدودیت‌های فیزیکی و روانی تخریب شده‌است. ملاقات‌ها، تماس‌های تلفنی و نامه‌ها همگی در حفظ رابطه بین اعضای خانواده حیاتی بودند، با این حال مسائلی نظیر پرداخت هزینه تماس تلفنی، تنظیم برنامه ملاقات، پرداخت هزینه‌های حمل و نقل و تنش‌های خانوادگی، تاثیر معناداری بر کیفیت و فراوانی این‌گونه ارتباطات گذارده‌است. یافته‌ها نشان داد که کیفیت ملاقات پدر- فرزند، با نوع رابطه والدین (قبل و بعد از حبس) مرتبط است و معمولاً ارتباط خوب زندانی با همسر برای حفظ دسترسی به فرزندان ضروری است.

### چارچوب نظری و مدل تحقیق

خانواده‌ها ممکن است به دلایل مختلف (از جمله حبس)، داغ ننگ را تجربه کنند. پارک و پارک (۲۰۱۴) سه ویژگی بنیادی مفهوم "داغ ننگ خانواده"<sup>۱</sup> را با روش تحلیل مفهومی<sup>۱</sup> شناسایی کرده‌اند:

---

#### 1. Family Stigma

۱. ادراکات، نگرش‌ها، و احساسات منفی و رفتارهای اجتنابی نسبت به هر یک از اعضای خانواده به دلیل غیرعادی بودن خانواده (شامل وضعیت، وقایع، حوادث، رفتارها)، مشکلات یا بیماری‌های منفی مرتبط با خانواده یا ویژگی‌ها و ساختار غیرمتعارف خانواده.

۲. باور دیگران به این که غیرعادی بودن خانواده به نحوی مضر، خطرناک، و ناسالم، قادر به تأثیرگذاری منفی بر آنهاست یا به طور کلی از هنجارهای اجتماعی متفاوت است.

۳. باور دیگران به این که اعضای خانواده به طور مستقیم یا غیرمستقیم به وسیله عضو مشکل‌دار خانواده آلوده شده‌اند، و بنابراین هر عضو خانواده نیز به صورت مضر، خطرناک، و ناسالم، قادر به تأثیرگذاری منفی بر دیگران است (پارک و پارک، ۲۰۱۴: ۱۶۸).

پیامدهای داغ ننگ خانواده نیز به سه دسته قابل تفکیک است: ۱. پیامدهای عاطفی تجربه داغ ننگ شامل احساس نادیده گرفته شدن، بی‌اعتنایی یا بی‌احترامی، احساس شرم، ترس، اضطراب، ناامیدی، گناه، بی‌قراری، و نگرانی شدید، ۲. پیامدهای اجتماعی داغ ننگ خانواده شامل تبعیض، از دست دادن شغل یا مسکن، تنزل شأن و اعتبار اجتماعی، و مشکلات خانوادگی، و ۳. پیامدهای بین شخصی شامل اجتناب از روابط اجتماعی، صرف انرژی در پنهان ساختن راز خانوادگی، نقل مکان به مناطق دیگر و انزوای اجتماعی خانواده است. این پیامدها گواه تنزل کیفیت زندگی خانواده‌های داغ-نشان شده است (همان: ۱۶۸).

هویت خانواده زندانیان اغلب با رفتارها و ارزش‌های مجرمانه‌ای که ارزش‌ها و امنیت عمومی جریان اصلی جامعه را تهدید می‌کند، پیوند یافته است. درست یا نادرست، اعضای خانواده زندانیان با سبک زندگی مجرمانه و خرده‌فرهنگی که خلاف معیارهای پذیرفته‌شده رفتار است، تصویر می‌شوند. درک اجتماع از اخلاقیات این افراد و اعتماد به آن‌ها به دلیل رابطه‌شان با فرد مجرم تیره و تار است. هنگامی که ویژگی بی‌اعتبارکننده به شخصیت افراد و منش و سبک زندگی آنان مرتبط باشد (مانند خانواده زندانیان)، تضعیف‌کننده‌ترین واکنش‌های اجتنابی از جانب دیگران می‌تواند به دلیل هراس از مخاطره و آلودگی شعائر به وقوع پیوندد (هاننم، ۲۰۰۸).

### داغ ننگ عامل فرساینده انسجام روابط زناشویی

از نظر سیانک و همکاران (۲۰۱۴) حبس تجربه‌ای است که بنیادی انسجام زناشویی را تغییر می‌دهد. این عوامل کلیدی شامل مزایا و هزینه‌های ازدواج، موانع ترک ازدواج، و جاذبه نسبی جایگزین‌های ازدواج است. مزایای ازدواج جنبه‌های مثبتی مانند عشق، شادی، احترام، اعتماد، رابطه جنسی، همراهی و همنشینی، و منابع اقتصادی و اجتماعی و هزینه‌ها شامل جنبه‌های منفی مانند



خشونت در روابط است. تعهدات شخصی و اجتماعی مانند فرزندان، اعتقادات مذهبی، و فشار بستگان از جمله موانع ترک ازدواج محسوب می‌شوند و جذابیت نسبی جایگزین‌های ازدواج نیز شامل محبت، رابطه جنسی، و منابع اجتماعی و اقتصادی در صورت خروج از ازدواج سابق است. حبس و داغ ننگ به چند طریق، مزایای ازدواج را کاهش، هزینه‌های آن را افزایش و موانع خروج از ازدواج را کاهش می‌دهد و بدین ترتیب کیفیت روابط زوجین و انسجام زندگی زناشویی را تهدید می‌کند:

۱. با برچسب خوردن یکی از زوجین به عنوان متقلب و غیرقابل اعتماد، شهرت و اعتبار هر دو زوج تخریب می‌شود و توانایی قبلی برای اشتغال و مشارکت اقتصادی تضعیف می‌شود. با تغییر کنترل بر پول و منابع خانوادگی، تغییرات قدرت ایجاد یا تشدید می‌شود که می‌تواند بر مهارت‌های حل تعارض تأثیر گذارد و افزایش خشونت در روابط را منجر شود. بدین ترتیب حبس می‌تواند مزایای ازدواج را کاهش و هزینه‌های آن را افزایش دهد (سیانک و همکاران، ۲۰۱۴: ۴).

۲. حبس به طور رسمی داغ ننگ و عدم تأیید اجتماعی زندانی را به عنوان یک محکوم کیفری تعیین می‌کند. اجتماع، داغ ننگ و عدم تأیید را نه تنها به زندانی بلکه همچنین به بستگان و همسر زندانیان پیوند می‌دهد. این مجازات‌های اجتماعی، شبکه‌های حمایت اجتماعی خانواده را گاهی تا سال‌ها بعد از حبس تضعیف می‌کند. در چنین شرایطی موانع ترک ازدواج تضعیف می‌شود و حتی ممکن است طلاق از همسر تشویق شود، بدین ترتیب تجربه حبس همسر می‌تواند طلاق را از نظر اجتماعی تجویز کند (همان: ۵).

۳. در نهایت شرکای خارج از ازدواج برای همسران غیرمحبوس، حمایت و تأیید اجتماعی را فراهم می‌کنند و پشتیبان شکست ازدواجشان می‌شوند. حبس همسر بدین ترتیب می‌تواند شرایطی با مزایای کم، هزینه‌های بالا، موانع اندک برای خروج از ازدواج، یا جایگزین‌های مناسب برای ازدواج آینده را ایجاد کند که هر یک می‌تواند بی‌ثباتی ازدواج را تقویت نماید (همان: ۵).

بنابراین داغ ننگ نقشی در شکل‌دهی به زوال عشق زناشویی، تعارض در روابط زوجین، گشودگی به روابط جایگزین و نهایتاً طلاق بازی می‌کند (همان: ۱۷).

یکی دیگر از مکانیزم‌های بالقوه که داغ ننگ را در پیوند با تنزل کیفیت روابط عاشقانه قرار می‌دهد، تصویر از خود<sup>۱</sup> است. تصویر از خود را می‌توان یک ساختار گسترده شامل "ارزیابی از خود" (برای مثال عزت نفس)، "نگرش نسبت به خود" و نیز "پذیرش خود" در نظر گرفت. مبتنی بر دیدگاه آینه‌سان<sup>۲</sup>، افراد به شدت تحت تأثیر این ادراکشان هستند که دیگران چگونه آن‌ها را درک می‌کنند. بنابراین اعضای گروه‌های داغ‌نشان ممکن است نگرش‌های منفی نسبت به گروه خودشان

1. Self-image

2. Looking-glass

را به عنوان نتیجه‌ای از تعصب، پیش‌داوری و تبعیض درونی کنند. همچنین ادراک مداوم آنان از این‌که هویت اجتماعی‌شان در معرض تهدیداتی ثابت و غیرقابل کنترل (برای مثال تبعیض) است، می‌تواند تأثیر منفی بر تصویر از خود داشته باشد. برای اعضای این گروه‌ها، تبعیض درک‌شده، منجر به سطوح پایین‌تر عزت نفس، همچنین اختلال در پذیرش خود می‌شود. به طور کلی تصویر کمتر مثبت از خود به اختلال عملکرد روابط عاشقانه می‌انجامد. برای مثال افراد دارای عزت نفس پایین در اعتماد به توجه مثبت شریک زندگی‌شان دچار مشکل‌اند. و اغلب به دلیل عدم اطمینان، آنان را تحت فشار گذاشته یا از آنان فاصله می‌گیرند. از آنجا که تصویر مثبت از خود در حفظ کیفیت روابط مهم است، می‌توان تصور کرد تأثیرات منفی تبعیض درک‌شده بر کیفیت روابط عاشقانه توسط اختلال در تصویر از خود وساطت شود (متی دوپل و مولکس، ۲۰۱۴b: ۶۰۲-۶۰۰).

مکانیزم دیگر، توجه به نقش استرس‌های مداوم و مزمن حاصل از داغ ننگ اجتماعی است که می‌تواند باری بر روابط صمیمانه اعضای گروه‌های داغ‌نشان باشد. تجربه استرس ناشی از تهدید هویت اجتماعی (در قالب تعصب و تبعیض) دقیقاً همانطور که سلامت جسمی و روانی را تضعیف می‌کند، می‌تواند به روابط رمانتیک نیز سرریز شود و کیفیت آن را خدشه‌دار سازد. تبعیض درک‌شده سطوح بالاتری از استرس، و سطوح بالاتر استرس اختلال بیشتری در کیفیت روابط را همراه دارد (متی دوپل و مولکس، ۲۰۱۴a: ۱۰۲، ۱۰۷).

از آن‌جا که منشأ داغ ننگ خانواده زندانیان و عامل رفتارهای اجتنابی و اعمال تبعیض و تعصب نسبت به خانواده، رفتار مجرمانه همسر می‌باشد، می‌توان انتظار داشت داغ ننگ منجر به تنزل کیفیت روابط در خانواده با محوریت مرد زندانی شود. بدین ترتیب که هر چه داغ ننگ و رفتار مطرودساز دیگران در قبال خانواده زندانیان بیشتر باشد، روابط زن سرپرست خانوار و فرزندان با زندانی (عامل اولیه داغ‌ننگ) نیز بیشتر تضعیف شود.

### داغ ننگ عامل تضعیف سلامت

رابطه بین داغ ننگ حاصل از زندانی شدن سرپرست خانوار و سلامت خانواده از چند جنبه می‌تواند مدنظر قرار گیرد:

۱. از آن‌جا که ویژگی حبس عضوی از خانواده، برای دیگران فوراً آشکار نمی‌شود، اعضای خانواده زندانیان فوراً بی‌اعتبار نمی‌شوند بلکه قابل بی‌اعتبار شدن هستند. آنان با این انتخاب مواجه‌اند که چگونه و به چه کسی اطلاعات بی‌اعتبارکننده (حبس سرپرست) را فاش کنند. این وضعیت تردید، محرک اضطراب بسیار بالایی است. در صورتی که خانواده زندانیان سعی در اختفاء حبس سرپرست نمایند، ممکن است از واکنش‌های اجتنابی مصون مانند اما دلهره افشای این راز همچنان باقی می‌ماند (هاننم، ۲۰۰۸). با مخفی‌کاری، خانواده زندانیان خود را از مساعدت افرادی که ممکن است بدون

پیش‌داوری و قضاوت آنان را حمایت کنند، محروم می‌سازند و حتی خروجی‌های معمول اجتماعی برای ابزار اندوه را نیز نخواهند داشت. بنابراین حفظ این راز می‌تواند تماس اجتماعی و شبکه‌های حمایتی خانواده را محدود سازد و منجر به فشار بیشتر بر خانواده شود (برایسان، ۲۰۱۱). از طرف دیگر تشکیل روابط عمیق با دیگران در شرایط کتمان حبس سرپرست، تأثیرات منفی بالقوه‌ای چون احساس گناه، شرم، و ترس از برملا شدن را همراه دارد و آشکار شدن اتفاقی آن، احتمالاً پیامدهای اجتماعی ناگوارتری چون انگ فریب‌کاری و نیرنگ‌بازی را سبب می‌شود (هاننم، ۲۰۰۸).

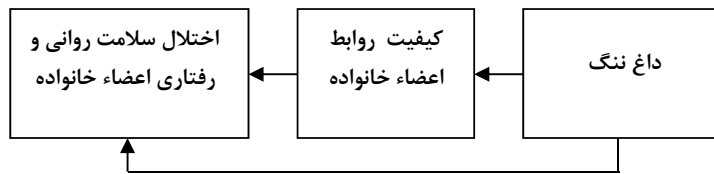
۲. علی‌رغم تأکید بر ماهیت تعاملی داغ ننگ و ظهورش در روابط اجتماعی، داغ ننگ نمودی ذهنی نیز دارد. داغ ننگ ذهنی خانواده زندانیان حاصل درونی‌کردن هنجارها و ارزش‌های مشترک اجتماعی است که حتی در شرایطی که آنان درگیر رفتارها و تعاملات اجتنابی از جانب دیگران نیستند، منجر به خودادراکی و خودپنداره منفی آنان می‌شود. احساس شرم اعضاء خانواده‌های زندانیان، نتیجه داغ ننگ ذهنی است (همان، ۲۰۰۸). هنگامی که جایگاه فروتر فرد، به ذهنیت خود او هم تسری می‌یابد، می‌تواند بر احساس ارزشمندی و عزت نفس وی تأثیرگذار باشد و زمینه خلق و خوی افسرده را مهیا سازد.

۳. فرزندان زندانیان هنگامی که با واکنش‌های اجتنابی سایرین مواجه می‌شوند و طرد و منزوی می‌گردند، جذب افرادی با وضعیت مشابه می‌شوند. پیامد طرد و عدم پذیرش کودکان زندانیان از جانب دیگران، تشکیل گروه‌های نوجوان بزهکار خواهد بود (وودوارد، ۲۰۰۳). در واقع داغ ننگ، سلامت رفتاری فرزندان خانواده زندانیان را تهدید می‌کند.

۴. تعلق به یک شبکه اجتماعی و الزامات متقابل آن موجب می‌شود افراد احساس محبت، دوستی، احترام و ارزش نمایند. این امر تأثیر حفاظتی قوی بر سلامت دارد. همچنین روابط حمایتی می‌تواند سبب برانگیختن رفتارهای سالم‌تر شود. افرادی که از حمایت‌های عاطفی و اجتماعی کمتری برخوردارند، بیشتر در معرض ابتلا به افسردگی، و ناتوانی متعاقب بیماری‌های حاد قرار می‌گیرند. از طرف دیگر روابط نزدیک ولی نامناسب می‌تواند منجر به تضعیف سلامت روانی و جسمی شود (اسماعیل مطلق و همکاران، ۱۳۸۷). نقطه مقابل حمایت در روابط اجتماعی را می‌توان داغ ننگ دانست. داغ ننگ از طریق تضعیف روابط اجتماعی و مهمتر از آن تخریب روابط اعضاء خانواده ساز و کار مخربی بر سلامت روانی و رفتاری دارد، چرا که مهم‌ترین منبع دریافت حمایت، حلقه روابط نزدیک و خانوادگی است.

### مدل تحقیق

بر اساس چارچوب تحقیق مدل پژوهش در شکل ۱ ارائه شده‌است.



شکل ۱: مدل تحقیق

### روش تحقیق

#### جمعیت آماری، حجم نمونه، و نمونه‌گیری

روش تحقیق این پژوهش پیمایش، و تکنیک مورد استفاده پرسش‌نامه است. جمعیت آماری تحقیق، زنان سرپرست خانواری است که به علت حبس همسر در سال ۱۳۹۰ تحت حمایت انجمن حمایت از زندانیان مرکز قرار داشته‌اند (به تعداد ۹۷۷ نفر). حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران با در نظر گرفتن همگنی ۰/۷۵ و ۰/۲۵ بر مبنای پیش‌آزمون و خطای قابل قبول ۰/۰۵، ۲۲۲ نفر برآورد شد. با توجه به وجود لیست اسامی جمعیت آماری، نمونه‌گیری سیستماتیک تصادفی انجام شد.

#### تعریف متغیرها، روایی و پایایی

##### متغیر مستقل (داغ ننگ)

بر اساس بحث‌های نظری هاننم (۲۰۰۸)، در تحقیق حاضر دو جنبه از داغ ننگ (تعاملی و جنسیتی) مورد توجه قرار گرفت.

داغ ننگ تعاملی: در فرایند داغ‌نشان شدن، افراد دارای یک ویژگی (حبس سرپرست خانواده) مطابق با ارزش‌های مسلط و ساخت قدرت جامعه برچسب می‌خورند. این ویژگی با پندارهای قالبی منفی‌ای پیوند می‌یابد که گروه مسلط را قادر می‌سازد برچسب‌خوردگان را به نحو چشم‌گیری متفاوت بنگرند. سپس تمایز مذکور مشمول هویت فردی افراد برچسب‌خورده می‌شود و آن‌ها بر حسب ویژگی منفی‌شان نگرسته می‌شوند. واکنش‌های اجتماعی به برچسب باعث تضعیف منزلت اجتماعی داغ‌نشان‌شدگان شده و به رفتارهای اجتنابی و تبعیض‌آمیز شکل می‌دهد (هاننم، ۲۰۰۸). در این تحقیق داغ ننگ تعاملی با ۳ گویه که رفتارهای اجتنابی و تبعیض دیگران در قبال خانواده زندانیان را به تصویر می‌کشد، در طیفی ۶ قسمتی عملیاتی شد.

داغ ننگ جنسیتی: داغ ننگ و حاشیه‌ای شدن مرتبط با مجرمیت در همسران مردان زندانی تشدید می‌شود و یک سوگیری جنسیتی قطعی در تجربه اعضای خانواده زندانیان از حبس شکل می‌گیرد. تشدید داغ ننگ حبس در بین زنان به چند دلیل رخ می‌دهد. نخست این که هویت زن در ذهن خودش و در تصور دیگران اغلب با جایگاه اجتماعی شوهرش پیوند نزدیکی می‌یابد، به‌ویژه اگر

زن جدای از هویت اجتماعی یا شغلی شوهر، خود هویت اجتماعی یا شغلی مستقلی نداشته باشد. این پدیده اجازه می‌دهد داغ ننگ هویت مجرمانه شوهر به آسانی به همسر و تعاملات او با دیگران انتقال یابد. فرض محتمل دیگر این است که هنجارهای اجتماعی پدرسالارانه هویت زنان را به عنوان مراقبین و پرورش‌دهندگان، بیش از مردان به خانواده پیوند می‌دهد و بنابراین آنان را در برابر تخلف و مجرمیت عضوی از خانواده در معرض تبعیض، اجتناب و خصومت بیشتری قرار می‌دهد (همان، ۲۰۰۸). داغ ننگ جنسیتی با ۳ گویه که وضعیت آسیب‌پذیر هویتی-ارتباطی زنان در قبال جرم همسر را نشان می‌دهد در طیفی ۶ قسمتی عملیاتی شد.

#### متغیر واسط (کمیت و کیفیت روابط اعضاء خانواده)

بحث کمیت و کیفیت روابط اعضاء خانواده، علاوه بر آن که رابطه والدین با یکدیگر را مد نظر قرار می‌دهد، ناظر بر رابطه متقابل والدین با فرزندان نیز می‌باشد. کمیت و کیفیت روابط اعضاء در سه بعد روابط زن-همسر (میزان ملاقات زن با همسر زندانی، میزان حمایت متقابل موجود در رابطه و ارزیابی میزان مطلوبیت رابطه)، روابط مادر-فرزندان (میزان کنترل و نظارت بر فرزندان، میزان تنش در رابطه با فرزندان، و ارزیابی میزان مطلوبیت سرپرستی) و روابط پدر-فرزندان (میزان ملاقات فرزندان با پدر، میزان پیوند عاطفی در روابط متقابل، و حفظ جایگاه و شأن پدر در رابطه متقابل) در طیفی ۶ قسمتی و هر یک با ۳ گویه عملیاتی شد.

#### متغیر پیامد (اختلال در سلامت روانی و رفتاری اعضاء)

در تحقیق حاضر اختلال در سلامت روانی زن سرپرست خانوار (افسردگی و اضطراب) و اختلال رفتاری فرزندان (اختلال سلوک) بررسی شد. افسردگی و اضطراب زنان از طریق بخشی از پرسش‌نامه سلامت عمومی گلدبرگ و میلر<sup>۱</sup> عملیاتی شد. ۳ گویه نشانگان افسردگی و ۳ گویه نشانگان اضطراب را در طیف ۶ قسمتی سنجش نمود. ویژگی عمده اختلال سلوک، نقض حقوق دیگران و هنجارهای اجتماعی است. اختلال سلوک کودکان و نوجوانان در اشکال متنوعی از الگوهای رفتاری از خشم و اوقات تلخی مکرر و نافرمانی مداوم گرفته تا اقدامات جدی بزهکارانه تجلی می‌یابد. سیستم تشخیصی بیماری روانی (DSM-IV)، ظهور حداقل ۳ مورد از ۴ معیار کلی زیر را طی دوره زمانی مشخصی، نشان‌دهنده اختلال سلوک می‌داند: ۱. پرخاشگری نسبت به دیگران یا حیوانات ۲. تخریب اموال، ۳. فریبکاری، تقلب و سرقت، ۴. نقض جدی قوانین (Inserm, 2005). در این تحقیق مبتنی بر هنجارهای رفتاری

1. General Health Questionnaire (GHQ)

نوجوانان ایران، و مطابق با معیارهای فوق، ۳ مورد (رفتارهای پرخاشگرایانه، درگیری فیزیکی با دیگران، و تخریب لوازم منزل) انتخاب و از پاسخگو خواسته شد، میزان ارتکاب فرزندان به چنین رفتارهایی را در طیف ۶ قسمتی گزارش دهد.

### روایی و پایایی ابزار سنجش

در این پژوهش سنجها پس از مرحله پیش‌آزمون و تعدیل گویه‌ها و تأمین اعتبار صوری براساس نظر اساتید سنجش یافت. برای سنجش پایایی گویه‌ها نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. در جدول ۵ پایایی ابزار سنجش مشخص است.

### نتایج تحقیق

#### نتایج توصیفی

#### توصیف متغیرهای زمینه‌ای

در مجموع پاسخگویان از نظر سن ( $M=39/3, SD=8/6$ ) در آستانه میان‌سالی محسوب می‌شدند. میانگین سنوات تحصیلی آنان ( $M=9/5, SD=3/4$ ) بود. ۳۹/۲ درصد از زنان، شاغل و حدود نیمی از زنان شاغل (۴۵/۳ درصد) به مشاغل یدی (کارگر خدماتی) مشغول بودند. میانگین درآمد زنان شاغل ( $M=389/3, SD=231/5$ ) -به هزار تومان در ماه- و میانگین همه ورودی‌های درآمدی در بین تمام خانواده‌های نمونه (مجموع درآمد اعضای شاغل خانواده، مستمری سازمان‌های حمایتی و یارانه دولت) ( $M=534/3, SD=328$ ) -به هزار تومان در ماه- و با توجه به هزینه‌های زندگی در کلان شهر تهران بسیار نازل بود. از آن‌جا که تعداد اعضای خانواده تعیین‌کننده کفایت یا عدم کفایت کل درآمد خانواده است، از سرانه درآمدی استفاده شد. به طور میانگین هر زن تکفل ۲ فرزند را برعهده داشت و کل ورودی درآمدی خانواده به طور میانگین صرف هزینه ۳ فرد (۲ فرزند و خود زن سرپرست خانواده) می‌شد. میانگین سرانه درآمدی ۱۸۰ هزار تومان در ماه بود. ۲۹/۷ درصد خانواده‌ها قبل از حبس همسر با مشکل اعتیاد او نیز مواجه بوده‌اند. جدول ۱ شاخصه‌های توصیفی برخی از متغیرهای زمینه‌ای را نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخصه‌های توصیفی متغیرهای زمینه‌ای

	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	چارک‌ها		
					اول	دوم (میانه)	سوم
سرانه درآمدی (به هزار تومان)	۴۰/۴	۷۷۳	۱۸۰	۱۱۹	۱۰۹	۱۴۷	۲۴۸
تعداد افراد تحت تکفل زن سرپرست	۰	۵	۲	۱/۰۵	۱	۲	۲

میزان تحصیلات زن سرپرست	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	چارک‌ها		
					اول	دوم (میانه)	سوم
	۰	۱۶	۹/۵	۳/۴۳	۸	۱۲	۱۲

### توصیف متغیرهای اصلی

بر اساس جدول ۲، ۳۹/۶ درصد زنان نمونه کیفیت روابط با همسران‌شان را مطلوب، ۲۴/۳ درصد در حد متوسط و ۲۶/۰ درصد نامطلوب ارزیابی کردند ( $M=۳/۶۳$ ،  $SD=۱/۲۸$ )، یکی از گویه‌های این شاخص که به میزان ملاقات زن با همسر اختصاص دارد نشان داد: ۱۰/۹ درصد زنان اصلاً به ملاقات همسر خود نمی‌رفتند. میزان ملاقات ۳۸/۵ درصد زنان کم یا بسیار کم، ۲۴/۴ درصد در حد متوسط و ۲۶/۲ درصد زیاد یا بسیار زیاد بود ( $M=۳/۴۲$ ،  $SD=۱/۴۶$ )، بنابراین حدود نیمی از زنان کمتر از حد متوسط رابطه‌ای چهره به چهره با همسر خود داشتند. علت این امر در جدول ۳ قابل مشاهده است: از ۱۰۹ زنی که ملاقات‌شان را با همسر اصلاً، بسیار کم یا کم اعلام کرده‌اند، ۴۷/۵ درصد هزینه رفت و آمد به زندان و نزدیک به ۳۰ درصد (۲۹/۳ درصد) عدم تمایل به دیدار همسر را مهم‌ترین علت این مسئله ذکر کردند. بدین ترتیب این دو علت ۷۶/۸ درصد از مهم‌ترین دلایل قلت ملاقات را پوشش می‌داد. ۱۴/۱ درصد آنان سازوکار زندان (نامناسب بودن سالن ملاقات برای گفتگوهای خانوادگی و دشواری ترتیب ملاقات) را منجر به تقلیل ملاقات دانسته‌اند. ۸/۱ درصد از زنان نیز به دیگر علل اشاره کردند.

بر اساس جدول ۲، کیفیت روابط فرزند- پدر در ۴۶/۵ درصد از خانواده‌ها نامطلوب، در ۲۹/۱ درصد در حد متوسط و در ۲۴/۴ درصد مطلوب ارزیابی شد ( $M=۳/۳۲$ ،  $SD=۱/۲۳$ )، توزیع فراوانی گویه میزان ملاقات فرزندان با پدر نشان داد، ۲۸/۴ درصد از فرزندان اصلاً با پدر ملاقات نداشتند. در ۴۱/۷ درصد خانواده‌ها میزان ملاقات فرزندان با پدر کم یا بسیار کم، در ۱۴/۷ درصد در حد متوسط و در ۱۵/۲ درصد در حد زیاد یا بسیار زیاد بود ( $M=۲/۷۲$ ،  $SD=۱/۴۹$ )، بنابراین در ۷۰/۱ درصد خانواده‌های دارای فرزند، ارتباط نزدیک و چهره به چهره فرزندان و پدر ضعیف بود.

طبق جدول ۳، در بین خانواده‌های دارای فرزند، ملاقات فرزندان ۱۴۳ خانواده با پدر هیچ یا اندک بود. ۶۱/۵ درصد از علل محدودیت ملاقات فرزند و زندانی به دلایل درون خانوادگی (عدم تمایل فرزند و پدر به دیدار با یکدیگر، یا عدم تمایل مادر به همراه آوردن فرزند)، ۱۶/۸ درصد به علل ساختاری (ممنوعیت‌های قانونی زندان، محیط خشن زندان برای کودک، برخورد ساعات ملاقات با ساعات کار یا مدرسه فرزندان)، ۶/۳ درصد به دلیل پنهان نگاه‌داشتن حبس پدر از فرزند و ۱۵/۴ درصد به مواردی دیگر مرتبط بود.

جدول ۲: درصد توزیع فراوانی بر حسب میزان داغ ننگ، کیفیت روابط اعضای خانواده، و اختلال روانی - رفتاری

انحراف معیار	میانگین (در رنج اعداد ۱ تا ۶)	مجموع		زیاد و بسیار زیاد	تا حدود ی	بسیار کم و کم	
		تعداد	درصد				
۱/۳۶	۳/۷۰	۲۲۰	۱۰۰	۳۶/۸	۳۰/۰	۳۳/۲	داغ ننگ تعاملی
۱/۳۶	۳/۶۷	۲۲۱	۱۰۰	۴۸/۴	۲۲/۲	۲۹/۴	داغ ننگ جنسیتی
۱/۲۸	۳/۶۳	۲۲۲	۱۰۰	۳۹/۶	۲۴/۳	۲۶/۰	روابط زن- مرد
۰/۸۵	۳/۷۵	۲۰۹	۱۰۰	۲۲/۵	۵۷/۹	۱۹/۶	روابط مادر- فرزند
۱/۲۳	۳/۳۲	۲۱۳	۱۰۰	۲۴/۴	۲۹/۱	۴۶/۵	روابط پدر- فرزند
۱/۲۶	۳/۰۷	۲۲۲	۱۰۰	۱۸/۵	۲۶/۱	۵۵/۴	افسردگی
۱/۲۴	۳/۱۷	۲۲۲	۱۰۰	۲۱/۷	۲۷/۵	۵۰/۹	اضطراب
۱/۳۹	۳/۴۶	۱۶۳	۱۰۰	۳۳/۱	۲۲/۷	۴۴/۲	اختلال سلوک

جدول ۳: درصد توزیع فراوانی مهم ترین علت عدم ملاقات یا ملاقات اندک زنان و فرزندان با زندانی

درصد	مهم ترین علت عدم ملاقات فرزند- پدر	درصد	مهم ترین علت عدم ملاقات زن- شوهر
۵۲/۴	عدم تمایل فرزند و پدر به دیدار با یکدیگر	۱۱/۱	مناسب نبودن سالن ملاقات برای گفتگوهای خانوادگی
۹/۱	عدم تمایل مادر به همراه آوردن فرزند	۴/۰	دشواری ترتیب دادن ملاقات
۳/۵	ممنوعیت های قانونی زندان	۲۹/۳	عدم تمایل به دیدن همسر
۴/۲	ترس کودک از زندان	۴۷/۵	هزینه بالای رفت و آمد به زندان
۹/۱	برخورد ساعات ملاقات با ساعات مدرسه یا کار فرزند	۸/۱	سایر موارد
۶/۳	فریب کودک در مورد زندانی بودن پدر	۱۰۰	مجموع (N=۱۰۹)
۱۵/۴	سایر موارد		
۱۰۰	مجموع (N=۱۴۳)		

داغ ننگ تعاملی که رفتار اجتنابی و تبعیض آمیز و در واقع طرد ارتباطی، و عدم اعتماد به خانواده زندانیان را نشان می دهد، در بین ۳۶/۸ درصد از پاسخ گویان، زیاد یا بسیار زیاد، در بین ۳۰/۰ درصد آنان در حد متوسط و در بین ۳۳/۲ درصد در حد کم یا بسیار کم ارزیابی شد. تجربه داغ ننگ جنسیتی که حاصل پیوند هویت زنان با جایگاه اجتماعی همسرشان است در بین ۴۸/۴ درصد از پاسخ گویان زیاد یا بسیار زیاد بود. این افراد مورد سرزنش دیگران قرار می گرفتند که در مورد جرم و حبس همسر بی تقصیر نبوده اند، و در تعامل با دیگران نه به عنوان زن سرپرست خانوار که به عنوان همسر مجرم نگریسته می شدند. داغ ننگ جنسیتی در بین ۲۲/۲ درصد زنان در حد



متوسط و در بین ۲۹/۴ درصد کم یا بسیار کم بود. میانگین داغ ننگ تعاملی ( $M=۳/۷۰, SD=۱/۳۶$ ) و میانگین داغ ننگ جنسیتی ( $M=۳/۶۷, SD=۱/۳۶$ ) در حد متوسط بود (جدول ۲). نشانگان افسردگی در بین ۱۸/۵ درصد زنان شدید یا بسیار شدید، در بین ۲۶/۱ درصد در حد متوسط، و در بین ۵۵/۴ درصد آنان در حد کم یا بسیار کم بود. علائم اضطراب در بین ۲۱/۷ درصد از زنان شدید یا بسیار شدید، در بین ۲۷/۵ درصد در حد متوسط و در بین ۵۰/۹ درصد آنان در حد کم یا بسیار کم بود. ناهنجاری‌های رفتاری (اختلال سلوک) نیز در بین ۳۱/۱ درصد از فرزندان خانواده زندانیان در حد زیاد یا بسیار زیاد، در بین ۲۲/۷ درصد در حد متوسط و در بین ۴۴/۲ درصد آنان در حد بسیار کم یا کم شایع بود. بنابراین ۵۵/۸ درصد از خانواده‌های دارای فرزند جوان یا نوجوان از اختلالات سلوک فرزندان در حد متوسط، زیاد یا بسیار زیاد در رنج بودند. میانگین افسردگی ( $M=۳/۰۷, SD=۱/۲۶$ )، و اضطراب ( $M=۳/۱۷, SD=۱/۲۴$ ) زنان، همچنین اختلال سلوک فرزندان ( $M=۳/۴۶, SD=۱/۳۹$ ) در حد متوسط بود (جدول ۲).

### یافته‌های روابط دو متغیره

#### رابطه همبستگی متغیرهای اصلی و زمینه‌ای

بر اساس جدول ۴ رابطه سرانه درآمدی خانواده، با داغ ننگ تعاملی ( $-۰/۲۵۷$ ) و داغ ننگ جنسیتی ( $-۰/۲۴۵$ ) منفی و معنادار بود. سرانه درآمدی با کیفیت روابط مادر- فرزند ( $۰/۳۸۵$ )، و پدر- فرزند ( $۰/۲۳۴$ ) رابطه مثبت و معنادار و با افسردگی ( $-۰/۲۸۷$ )، و اضطراب ( $-۰/۲۳۶$ ) زنان و اختلال سلوک فرزندان ( $-۰/۴۰۱$ ) رابطه منفی و معنادار داشت. بنابراین افزایش سطح مطلوبیت اقتصادی خانواده زندانیان با ارتقاء کیفیت روابط فرزندان و والدین و کاهش اختلالات روانی و رفتاری اعضاء خانواده همراه شد.

تعداد افراد تحت تکفل زن سرپرست خانوار با کیفیت روابط فرزند- مادر ( $-۰/۱۴۱$ ) رابطه منفی و معنادار و با افسردگی ( $۰/۲۲۱$ )، و اضطراب ( $۰/۲۳۳$ ) زنان و اختلال سلوک فرزندان ( $۰/۲۶۳$ ) رابطه مثبت و معنادار داشت. هر چه تعداد افراد تحت تکفل زن سرپرست خانوار بیشتر بود از طرفی کیفیت روابط مادر و فرزندان تنزل می‌یافت و از طرف دیگر به دلیل تشدید فشار زندگی، اختلالات روانی و رفتاری اعضاء افزایش می‌یافت (جدول ۴).

میزان تحصیلات زنان نیز با داغ ننگ تعاملی ( $-۰/۱۴۳$ )، افسردگی ( $-۰/۱۷۰$ )، و اضطراب ( $-۰/۱۹۵$ ) زنان و اختلال سلوک فرزندان ( $-۰/۱۷۰$ ) رابطه منفی و معنادار و با کیفیت رابطه مادر- فرزند ( $۰/۲۰۳$ ) رابطه مثبت و معنادار داشت (جدول ۴).

جدول ۴: همبستگی‌های متغیرهای اصلی و زمینه‌ای

متغیرها	داغ ننگ تعاملی	داغ ننگ جنسیتی	روابط زن-مرد	روابط مادر-فرزند	روابط پدر-فرزند	افسردگی	اضطراب	اختلال سلوک
سرانه درآمدی	-۰/۲۵۷ **	** -۰/۲۴۵	۰/۱۳۲	*** ۰/۳۸۵	** ۰/۲۳۴	** -۰/۲۸۷	-۰/۲۳۶ **	۰/۴۰۱ *** _
تعداد افراد تحت تکفل زن	۰/۰۴۳	۰/۰۸۷	۰/۰۱۲	* -۰/۱۴۱	-۰/۰۳۶	** ۰/۲۲۱	* ۰/۲۳۳ *	* ۰/۲۶۳ *
میزان تحصیلات زن	* -۰/۱۴۳	-۰/۰۸۱	۰/۱۰۵	** ۰/۲۰۳	* ۰/۱۷۷	* -۰/۱۷۰	-۰/۱۹۵ **	۰/۱۷۰ *_

\*\*\* =  $P < 0.001$  \*\* =  $P < 0.01$  \* =  $P < 0.05$

آزمون  $t$  نمونه‌های مستقل برای ارزیابی این فرضیه که زنان و فرزندان در خانواده زندانیان دچار اعتیاد نسبت به دیگر خانواده زندانیان، عدم سلامت روان را بیشتر تجربه می‌کنند، استفاده شد. به طور متوسط، زنان زندانیان معنادار ( $M=3/55$ ,  $SD=1/18$ ) نسبت به زنان زندانیان غیرمعنادار ( $M=3/01$ ,  $SD=1/22$ ) اضطراب بیشتری داشتند، و این تفاوت معنادار بود:  $p=0/003$ ,  $t(220)=-3/016$ . همچنین به طور متوسط، زنان زندانیان معنادار ( $M=3/43$ ,  $SD=1/15$ ) نسبت به زنان زندانیان غیرمعنادار ( $M=2/91$ ,  $SD=1/27$ ) افسردگی بیشتری داشتند، و این تفاوت نیز معنادار بود:  $p=0/005$ ,  $t(220)=-2/859$ . فرزندان خانواده زندانیان معنادار ( $M=3/85$ ,  $SD=1/37$ ) نیز به طور متوسط نسبت به فرزندان زندانیان غیرمعنادار ( $M=3/3$ ,  $SD=1/37$ ) میزان بالاتری از اختلال سلوک را نشان دادند و این تفاوت نیز معنادار بود  $p=0/012$ ,  $t(161)=-2/543$ .

#### همبستگی متغیر مستقل، واسط و پیامد

مطابق جدول ۵، داغ ننگ تعاملی با کیفیت روابط زن-مرد ( $-0/230$ ) و نیز با کیفیت روابط پدر-فرزند ( $-0/278$ ) رابطه منفی و معناداری داشت اما با کیفیت روابط مادر-فرزند رابطه معناداری نداشت. وضعیت مشابهی در رابطه داغ ننگ جنسیتی و متغیرهای کیفیت روابط مشاهده شد. رابطه داغ ننگ جنسیتی با کیفیت روابط زن-مرد ( $-0/200$ ) و کیفیت روابط پدر-فرزند ( $-0/264$ ) منفی و معنادار و با کیفیت روابط مادر-فرزند فاقد معناداری بود. در واقع هر چه خانواده زندانیان طردشدگی بیشتری را در روابط اجتماعی تجربه می‌کردند، و هر چه زنان مبتنی بر

هنجارهای پدرسالارانه و به دلیل جرم همسر، بیشتر مورد نکوهش دیگران قرار می‌گرفتند، کیفیت رابطه‌اشان با زندانی (عاملی که به واسطه پیوند با او داغ ننگ به آنها نیز سرایت کرده) تنزل می‌یافت. اما چون هیچ یک از دو طرف رابطه مادر- فرزند مسبب شکل‌دهی به داغ ننگ نبودند، رابطه داغ ننگ با کیفیت رابطه مادر-فرزند معنادار نبود.

داغ ننگ تعاملی رابطه مثبت و معناداری با اضطراب (۰/۱۸۰)، و افسردگی (۰/۱۷۷) زنان و اختلال سلوک فرزندان (۰/۱۹۷) داشت. رابطه داغ ننگ جنسیتی نیز با اضطراب (۰/۱۸۶)، افسردگی (۰/۱۴۹) و اختلال سلوک (۰/۲۱۹) مثبت و معنادار بود. بنابراین هر چه زنان در روابط اجتماعی با میزان بالاتری از رفتارهای اجتنابی و تبعیض‌آمیز مواجه می‌شدند و طردشدگی خود یا فرزندان را بیشتر تجربه می‌کردند یا به دلیل جرم و کجروی همسر مورد اجحاف بیشتری قرار می‌گرفتند، سطح بالاتری از اختلال روانی را نشان می‌دادند و ناهنجاری رفتاری فرزندان نیز بیشتر می‌شد (جدول ۵).

مبتنی بر جدول ۵، متغیر کیفیت روابط زن-مرد با اضطراب (۰/۱۳۴-)، و افسردگی (۰/۲۱۹-) زنان، و اختلال سلوک فرزندان (۰/۱۷۸-) رابطه منفی و معناداری داشت. کیفیت روابط پدر- فرزند نیز رابطه منفی و معناداری با افسردگی (۰/۱۵۱-)، و اختلال سلوک (۰/۳۱۶-) برقرار کرد. و در نهایت کیفیت روابط مادر- فرزند با افسردگی (۰/۲۸۷-)، اضطراب (۰/۱۷۵-)، و اختلال سلوک (۰/۳۸۶-) رابطه منفی و معناداری داشت. بنابراین هر چه کمیت و کیفیت روابط اعضاء خانواده بیشتر و بهتر بود، زنان سرپرست خانوار و فرزندان اختلالات روانی و رفتاری کمتری را نشان می‌دادند.

جدول ۵ همچنین نشان می‌دهد کیفیت روابط زن-مرد با کیفیت روابط پدر- فرزند (۰/۷۵۶) رابطه‌ای مثبت، معنادار و قوی و کیفیت روابط زن-مرد با کیفیت روابط مادر- فرزند (۰/۰۱۴-) منفی، بسیار ضعیف و فاقد معناداری در سطح ۰/۰۵ بود. این مسئله می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که در شرایط حبس پدر، تداوم و ارتقاء کیفیت رابطه زن با همسر با تداوم و ارتقاء کیفیت رابطه پدر- فرزندان همراه است.

جدول ۵: پایایی (قطر) و همبستگی‌های متغیرهای اصلی (زیرقطر)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. داغ ننگ عاملی	۰/۸۸							
۲. داغ ننگ جنسیتی	۰/۸۸۴***	۰/۹۰						
۳. روابط زن-مرد	-۰/۲۳۰**	-۰/۲۰۰**	۰/۸۹					
۴. روابط مادر-فرزند	-۰/۰۸۱	-۰/۱۳۵	-۰/۰۱۴	۰/۶۴				

داغ ننگ، کیفیت روابط اعضای خانواده و سلامت روان خانواده زندانیان

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۵. روابط پدر-فرزند	-.۰/۲۷۸ ***	-.۰/۲۶۴ ***	*.۰/۷۵۶ **	-.۰/۱۱۵	-.۰/۸۲			
۶. افسردگی	*.۰/۱۷۷ **	*.۰/۱۴۹ *	-.۰/۲۱۹ **	-.۰/۲۸۷ ***	*.۰/۱۵۱ *	-.۰/۸۷		
۷. اضطراب	*.۰/۱۸۰ **	*.۰/۱۸۶ **	-.۰/۱۳۴ *	*.۰/۱۷۵ *	-.۰/۰۸۸	*.۰/۷۵۲ **	-.۰/۸۳	
۸. اختلال سلوک	*.۰/۱۹۷ *	*.۰/۲۱۹ **	-.۰/۱۷۸ *	***.۰/۳۸۶	***.۰/۳۱۶	*.۰/۳۳۲ **	***.۰/۲۱۰	/.۹۸ .

\*\*\* =  $P < .001$  \*\* =  $P < .01$  \* =  $P < .05$

یافته‌های روابط چندمتغیره

نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داد ۱۴/۹ درصد از تغییرات واریانس افسردگی، ۱۴/۰ درصد از تغییرات واریانس متغیر اضطراب زن سرپرست خانوار و ۲۳/۴ درصد از تغییرات واریانس اختلال سلوک فرزندان با ترکیب خطی مقادیر متغیره‌های پیش‌بین (داغ ننگ تعاملی، داغ ننگ جنسیتی، روابط زن- همسر، روابط مادر-فرزند، روابط پدر-فرزند، سرانه درآمدی خانواده، تعداد افراد تحت تکفل زن، تحصیلات زن، و وضعیت اعتیاد همسر) قابل تبیین بود. مبتنی بر جداول ۶، ۷، و ۸ معادله استاندارد رگرسیون ابعاد سه‌گانه سلامت روان خانواده زندانیان عبارت است از: افسردگی =  $(-۰/۲۵۲) -$  کیفیت روابط زن- مرد) +  $(-۰/۳۱۶) -$  کیفیت روابط زن- فرزند).

اضطراب =  $(-۰/۲۶۳) -$  کیفیت روابط مادر-فرزند) +  $(۰/۲۴۲) -$  تعداد افراد تحت تکفل زن).

اختلال سلوک =  $(-۰/۲۳۳) -$  کیفیت روابط پدر- فرزند) +  $(-۰/۲۵۱) -$  کیفیت روابط زن- فرزند) +  $(-۰/۲۶۴) -$  سرانه درآمدی).

جدول ۵: تحلیل رگرسیون چندمتغیره افسردگی زنان

R=۰/۴۰۵		R <sup>2</sup> =۰/۱۶۴		Adjusted R <sup>2</sup> =۰/۱۴۹	
sig	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
.۰/۰۰۰	۱۱/۲۷۹	۱۵/۸۴۳	۲	۳۱/۶۸۷	رگرسیون
		۱/۴۰۵	۱۱۵	۱۶۱/۵۳۷	باقیمانده
		-	۱۱۷	۱۹۳/۲۲۴	مجموع
sig	مقدار t	Beta	انحراف استاندارد	B	
.۰/۰۰۰	۱۰/۲۵۰	-	۰/۵۷۶	۵/۹۰۵	ضریب ثابت
.۰/۰۰۰	-۳/۷۰۹	-۰/۳۱۶	۰/۱۲۸	-۰/۴۷۵	کیفیت روابط مادر-فرزند
.۰/۰۰۴	-۲/۹۵۹	-۰/۲۵۲	۰/۰۸۵	-۰/۲۵۱	کیفیت روابط زن- مرد

جدول ۶: تحلیل رگرسیون چندمتغیره اضطراب زنان

R=۰/۳۹۳ R <sup>۲</sup> =۰/۱۵۴ Adjusted R <sup>۲</sup> =۰/۱۴۰					
sig	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۰۰	۱۰/۵۰۶	۱۳/۸۷۹	۲	۲۷/۷۵۸	رگرسیون
		۱/۳۲۱	۱۱۵	۱۵۱/۹۲۳	باقیمانده
		-	۱۱۷	۱۷۹/۶۸۱	مجموع
sig	t مقدار	Beta	انحراف استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۶/۹۹۹	-	۰/۵۸۰	۴/۰۶۲	ضریب ثابت
۰/۰۰۳	-۲/۹۹۸	-۰/۲۶۳	۰/۱۲۷	-۰/۳۸۱	کیفیت روابط مادر-فرزند
۰/۰۰۷	۲/۷۵۷	۰/۲۴۲	۰/۱۱۴	۰/۳۱۶	تعداد افراد تحت تکفل زن

جدول ۷: تحلیل رگرسیون چندمتغیره اختلال سلوک فرزندان

R=۰/۵۰۹ R <sup>2</sup> =۰/۲۵۹ Adjusted R <sup>2</sup> =۰/۲۳۴					
sig	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۰۰	۱۰/۵۸۳	۱۶/۸۰۰	۳	۵۰/۴۰۱	رگرسیون
		۱/۵۸۷	۹۱	۱۴۴/۴۵۹	باقیمانده
		-	۹۴	۱۹۴/۸۶۱	مجموع
sig	t مقدار	Beta	انحراف استاندارد	B	
۰/۰۰۰	۹/۳۹۷	-	۰/۷۱۸	۶/۶۷۵	ضریب ثابت
۰/۰۰۷	-۲/۷۴۹	-۰/۲۶۴	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	سرانه درآمدی
۰/۰۰۹	-۲/۶۶۳	-۰/۲۵۱	۰/۱۷۷	-۰/۴۷۲	کیفیت روابط مادر-فرزند
۰/۰۱۳	-۲/۵۳۳	-۰/۲۳۳	۰/۱۱۴	-۰/۲۸۹	کیفیت روابط پدر-فرزند

### نتیجه‌گیری

انباشت مشکلات عدیده در خانواده زندانیان و به‌ویژه مسائل اقتصادی این خانواده‌ها در غیاب نان‌آور خانواده، معمولاً نگاه‌ها و تحلیل‌ها را از مشکلات ارتباطی آنان دور نگه می‌دارد. مقاله حاضر با اذعان به لزوم حفظ و تداوم روابط خانوادگی طی دوره حبس به منظور ادغام مجدد زندانی در خانواده و پیشگیری از تکرار جرم به این مسئله نیز معترف است که حفظ و تداوم روابط خانوادگی در دوره حبس به غایت دشوار است. تحقیق حاضر با تمرکز بر روابط اعضاء خانواده زندانیان، آن را

در بستر تعامل جامعه بزرگ‌تر با خانواده زندانیان دانسته و پیامد آن را بر سلامت روانی زنان سرپرست خانوار و سلامت رفتاری فرزندان بررسی نمود.

مبتنی بر یافته‌ها حدود نیمی از زنان و حدود ۷۰ درصد از فرزندان خانواده‌ها کمتر از حد متوسط رابطه‌ای چهره به چهره (ملاقات) با زندانی داشتند. هزینه رفت و آمد به زندان و عدم تمایل زن و شوهر عمده‌ترین علت محدودیت ملاقات زنان با همسر، و عدم تمایل اعضای خانواده به دیدار (عدم تمایل فرزند و پدر، عدم تمایل مادر به همراه آوردن فرزند) مهمترین علت محدودیت ملاقات فرزندان با پدر بود. این یافته‌ها حاکی از گسست روابط خانوادگی در بین اعضا نمونه است.

رابطه مثبت، معنادار و قوی کیفیت روابط زن- همسر با کیفیت روابط پدر- فرزند و عدم وجود رابطه معنادار بین کیفیت رابطه زن- همسر با کیفیت روابط فرزند- مادر همراستا با نتایج تحقیق کلارک و همکاران (۲۰۰۵) است که ارتباط خوب زندانی با همسر را برای حفظ دسترسی به فرزندان ضروری می‌داند. در واقع به نظر می‌رسد در خانواده زندانیان یک سوگیری نسبت به رابطه با زندانی وجود دارد. اگر روابط زن- همسر مطلوب باشد، احتمالاً رابطه فرزندان با پدر نیز مطلوب و اگر رابطه زن- همسر نامطلوب باشد، احتمالاً رابطه فرزندان با پدر نیز نامطلوب است.

براساس یافته‌ها افزایش سرانه درآمدی خانوار همراه با کاهش معنادار داغ ننگ تعاملی و جنسیتی و افزایش تحصیلات زن سرپرست خانوار نیز همراه با کاهش معنادار داغ ننگ تعاملی است. این یافته‌ها با بحث هاننم (۲۰۰۸) در یک راستاست که بیان می‌کند هر چه خانواده و زن سرپرست خانوار بتواند فاکتورها و ویژگی‌هایی را جدای از هویت اجتماعی یا شغلی شوهر/پدر کسب کند که به آنان هویت اجتماعی مستقلی دهد، از داغ ننگ کاسته می‌شود. در واقع تحصیلات و درآمد (در نمونه مورد بررسی حدود ۴۰ درصد از زنان شاغل بودند) را می‌توان مرهمی بر زخم داغ ننگ خانواده زندانیان دانست. از طرف دیگر همبستگی منفی بین سرانه درآمدی خانوار و داغ ننگ، تحلیل دیگری مبتنی بر بحث سیانک و همکاران (۲۰۱۴) دارد که معتقدند برچسب خوردن یکی از زوجین باعث تقلیل فرصت‌های شغلی در دسترس خانواده و کاهش منابع اقتصادی می‌شود. بنابراین هر چه پیش‌داوری دیگران در مورد خانواده زندانیان و در نتیجه رفتارهای پردکننده آنان افزایش یابد، کسب فرصت‌های اقتصادی (اشتغال زنان) و درآمد خانواده زندانیان در سطح نامطلوب‌تری قرار می‌گیرد. بدین ترتیب می‌توان از طرفی داغ ننگ را عامل تضعیف‌کننده موقعیت اقتصادی خانواده دانست و از طرف دیگر دستیابی اعضای خانواده و بویژه زنان به اشتغال و درآمد را عامل کم‌رنگ شدن داغ ننگ تصور کرد.

داغ ننگ تعاملی و داغ ننگ جنسیتی هر دو با کیفیت روابط زن- همسر رابطه منفی و معنادار داشتند. این یافته با نظر سیانک و همکاران (۲۰۱۴) و متی‌دویل و مولکس (۲۰۱۴a، ۲۰۱۴b)

همراستاست که معتقدند داغ ننگ منجر به خدشه‌دار شدن روابط زناشویی می‌شود. مکانیزم پیوند-دهنده داغ ننگ و کیفیت روابط زوجین از نظر سیانک و همکاران (۲۰۱۴) تغییر مزایا و هزینه‌های روابط زناشویی، و از نظر متی‌دویل و مولکس (۲۰۱۴a، ۲۰۱۴b) خدشه‌دار شدن تصویر از خود است.

علاوه بر این همچنان که مسیگلیا و همکاران (۲۰۱۱) بیان می‌کنند صرف جدایی فیزیکی زوجین طی دوره حبس نیز عامل تضعیف‌کننده انسجام خانواده و کیفیت روابط زوجین است. حداقل این یافته تحقیق حاضر که صرفه‌نظر از عواملی مانند داغ ننگ، و تنگنای اقتصادی، عوامل ساختاری مرتبط با سازوکار زندان (از قبیل نامناسب بودن سالن ملاقات، دشواری تنظیم وقت ملاقات، و...) نیز از علل برشمرده زنان خانوار برای محدودیت ملاقات آنان و فرزندان با زندانی است، مؤید این امر است.

داغ ننگ تعاملی و داغ ننگ جنسیتی هر دو با کیفیت روابط پدر-فرزند رابطه منفی و معناداری داشت، اما با کیفیت روابط مادر-فرزند رابطه معناداری نداشت. تحلیل این وضعیت را می‌توان با توجه به مفهوم داغ ننگ دریافت. داغ ننگ خانواده زندانیان یک ویژگی بی‌اعتبارکننده است که مبتنی بر باورهای قالبی از فرد مجرم به افراد صمیمی و نزدیک آن‌ها سرایت کرده و منجر به تنزل و خدشه‌دار شدن هویت آنان در نزد دیگران و رفتارهای اجتنابی و تبعیض‌آمیز با آنان شده است. بنابراین هر چه انگ‌زنی جامعه بزرگ‌تر به خانواده زندانیان بیشتر باشد واکنش خانواده کاهش کمی و کیفی رابطه با عاملی است که به واسطه پیوند با او داغ‌نشان شده‌اند. برخلاف رابطه زن-همسر و رابطه پدر-فرزند، هر دو طرف تعامل مادر-فرزند وضعیت مشابهی در داغ‌نشان شدن دارند، هر دو بدون جرم و صرفاً به واسطه رابطه خویشاوندی با زندانی از طرف اجتماع بزرگ‌تر طرد می‌شوند، همین وضعیت مشابه منجر به عدم وجود رابطه بین داغ ننگ تعاملی و جنسیتی با کیفیت رابطه مادر-فرزند می‌شود.

رابطه مثبت و معنادار داغ ننگ تعاملی و جنسیتی با افسردگی و اضطراب زن سرپرست خانوار و با اختلال سلوک فرزندان در تحقیق حاضر حاکی از کارکرد مخرب داغ ننگ بر سلامت روانی و رفتاری خانواده زندانیان است و این یافته همراستا با نظر هاننم (۲۰۰۸)، براینسان (۲۰۱۱) و وودوارد (۲۰۰۳) می‌باشد. در واقع خانواده زندانیان هم در تردید افشاء یا عدم افشاء ویژگی داغ-نشان‌کننده و هم در تقلای مخفی نگه داشتن آن در تعاملات خویش، اضطراب و فشار شدیدی را تجربه می‌کنند. داغ ننگ صرفاً به واکنش نامناسب دیگران در قبال خانواده زندانیان خلاصه نمی‌شود، بلکه به صورت یک ویژگی ذهنی خانواده زندانیان منجر به خودتخریبی روانی آنان نیز می‌شود. خودپنداره منفی خانواده زندانیان می‌تواند با احساس شرم عجین شود و عزت نفس آنان را خدشه‌دار و خلق و خوی آنان را افسرده سازد. خانواده‌های زندانیان در صورت عدم افشاء زندانی شدن

سرپرست ممکن است انزوا و عدم حمایت اجتماعی را به شکلی خودخواسته تجربه کنند و در صورت افشاء آن و مواجهه با واکنش اجتنابی دیگران، ناخواسته با انزوا و عدم حمایت مواجه شوند. طرد، انزوا و عدم حمایت نه تنها سلامت روان را خدشه دار می‌کند، بلکه محرک رفتارهای بزهکارانه (اختلال سلوک) نیز خواهد بود.

رابطه منفی و معنادار کیفیت روابط زن- همسر، با افسردگی و اضطراب زن سرپرست خانوار نشان داد علی‌رغم جرم و حبس همسر، همچنان رابطه زن با همسر عامل مهمی در حفظ سلامت روان زنان سرپرست خانوار می‌باشد. کاستی روابط چهره به چهره، نامطلوب بودن این رابطه، و فقدان حمایت دو جانبه بین زن - همسر با افسردگی و اضطراب زنان همراه است. بنابراین حفظ و مطلوبیت رابطه بین زن و همسر در طی دوران حبس می‌تواند با افزایش فاکتورهای سلامت روان زنان سرپرست خانوار همراه باشد.

رابطه منفی و معنادار کیفیت روابط فرزند- پدر و کیفیت رابطه فرزند- مادر با اختلال سلوک فرزندان حاکی از آن است که در شرایط کم‌رنگ شدن اقتدار پدر، کاهش دیدار چهره به چهره و تضعیف پیوند عاطفی فرزند و پدر احتمال وقوع رفتارهای نابهنجار در فرزندان افزایش می‌یابد. بنابراین حفظ تماس معنادار فرزندان با زندانی نه تنها به ادغام مجدد زندانی کمک می‌کند بلکه احتمال اختلال سلوک (که می‌تواند زمینه‌ساز چرخه بین‌نسلی جرم در خانواده زندانیان باشد) را نیز کاهش می‌دهد.

رابطه منفی و معنادار کیفیت روابط فرزند- مادر با اختلال سلوک فرزندان نیز نشان داد در شرایطی که میزان کنترل و نظارت مادر بر فرزندان کاهش و میزان تنش رابطه مادر با فرزندان افزایش یابد، و کیفیت سرپرستی مادر دچار اختلال شود احتمال وقوع رفتارهای نابهنجار و اختلال سلوک در فرزندان افزایش می‌یابد.

براساس یافته‌های چندمتغیره تحقیق در بین متغیرهای مدل تحقیق و متغیرهای زمینه‌ای مهم-ترین تبیین‌کننده افسردگی زنان سرپرست خانوار در مرتبه نخست کیفیت رابطه مادر- فرزند و سپس کیفیت رابطه زن- همسر و مهمترین تبیین‌کننده‌های اضطراب زنان در مرتبه نخست کیفیت رابطه مادر- فرزند و سپس تعداد افراد تحت تکفل است. مهم‌ترین تبیین‌کننده اختلال سلوک فرزندان در مرتبه نخست سرانه درآمدی خانوار، در مرتبه دوم کیفیت رابطه مادر- فرزند و سپس کیفیت رابطه پدر- فرزند است. بنابراین یکی از حوزه‌های اقدام سازمان‌های حمایتی برای بهبود سطح سلامت روان خانواده زندانیان را می‌توان ارتقاء کیفیت روابط خانوادگی آنان دانست. بدین منظور چندین پیشنهاد می‌توان ارائه داد:

- تسهیل شرایط ملاقات با زندانی و در نظر گرفتن کمک هزینه ایاب و ذهاب ویژه ملاقات خانواده با زندانی.



- مناسب‌سازی فضای محل ملاقات جهت حفظ حریم خصوصی و کرامت و شأن خانواده، همچنین عاری کردن محل ملاقات از هرگونه نمادها و نشانه‌های خشونت‌بار، تحقیرکننده یا سرزنش‌آمیز
- توجه ویژه به خدمات مشاوره خانوادگی، و مشاوره روان‌شناختی و آموزش‌های مرتبط
- توجه به رویکرد اجتماع محور به منظور ترمیم گسست موجود بین خانواده زندانیان و جامعه
- تضعیف کارکرد داغ ننگ از طریق ارتقای فرهنگ عمومی و برجسته‌سازی مشکلات خانواده زندانیان در عرصه رسانه‌ای

### منابع

- احمدی، حبیب و محمدتقی ایمان(۱۳۸۵)، «بررسی تأثیر مجازات مجرمین مواد مخدر بر کیفیت زندگی خانواده‌های آنان: مورد مطالعه خانواده‌های زندانیان مواد مخدر شهر شیراز»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره اول، شماره ۱: ۱۹-۱.
- احمدی، حبیب و لیلا نیکپور قنوتی(۱۳۸۹)، «تأثیر زندانی شدن محکومین جرائم مواد مخدر بر وضعیت بهداشت روان زنان آنان»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۱، شماره ۱: ۱۵۸-۱۴۳.
- اسماعیل مطلق، محمد؛ علیرضا اولیایی منش، و مریم بهشتیان(۱۳۸۷)، *سلامت و عوامل اجتماعی تعیین‌کننده آن، راهکار اصلی گسترش عدالت در سلامت و ایجاد فرصتی منصفانه برای همه*، چاپ دوم، تهران: موفق.
- جعفری، محمدحسن و لیلا نیکپور(۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر مجازات زندان بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌های زندانیان زندان‌های شیراز»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان(علوم انسانی)*، جلد ۲۵، شماره ۴: ۶۳-۷۸.
- رستگار انارمرزی، حامد(۱۳۸۶)، *زندان و آثار و پیامدهای آن*، رساله کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- عبیدی، عباس(۱۳۸۱)، «مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۴، شماره ۲: ۷۷-۹۱.
- Apel R (2016) «The Effects of Jail and Prison Confinement on Cohabitation and Marriage», *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 665(1):103-126.
- Bruynson K.(2011).«Experiences of Partners of Male Prisoners[ Dissertation]». Ontario University.
- Hannem SN (2008).«Marked by Association: Stigma, Marginalization, Gender and the Families of Male Prisoners in Canada[ Dissertation]». Carleton University.

- Pugh G.(2005). HMP Hollesley Bay:«Visit & Family Ties Survey». Ormiston Children and Families Trust.
- Clarke L, O'Brien M, Day R, Godwin H, Connolly J, and Van Leeson T.(2005). «Fathering Behind Bars in English Prisons: Imprisoned Fathers' Identity and Contact with their Children». *Fathering Journal*,; Vol.3, No.3.
- Inserm(National Institute for Health and Medical Research).«Conduct:Disorder in children and adolescents». (2005). Available at: <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/books/NBK7133>.
- La Vigne NG, Naser RL, Brooks LE, and Castro JL.(2005).«Examining the Effect of Incarceration and In-Prison Family Contact on Prisoners' Family Relationships». *Journal of Contemporary Criminal Justice*, Vol.21,No.4: 314-335.
- Massoglia M, Remster B, and King RD.(2011).«Stigma or separation? Understanding the incarceration-divorce relationship». *Social Forces*; 90:133-55.
- Matthew Doyle D and Molix L.(2014.b).«How Does Stigma Spoil Relationships: Evidence that Perceived Discrimination Harms Romantic Relationship Quality through Impaired Self-image». *Journal of Applied social psychology* Vol 44, Issue 9 :600-610.
- Matthew Doyle D and Molix L(2014.a) «Love on the Margins:The Effects of Social Stigma and Relationship Length on Romantic Relationship Quality». *Social Psychological and Personality Science*.Vol 5(1):102-110.
- Ofori-Dua K, Akuoko KO, and Kanwetuu VP.(2015).«Unanticipated Consequences of Imprisonment on Families of Prison Inmates of Kumasi Central Prison of Ghana». *International Journal of Social Science Studies*.Vol.3, No.3;185-196.
- Park S and Park KS.(2014).«Family Stigma: A Concept Analysis». *Asian Nursing Research*, 8:165-171.
- Siennick ES, Stewart EA, and Staff J.(2014).«Explaining the Association between Incarceration and Divorce». *Criminology*, 52(3):1-31.
- Smith R, Grimshaw R, Romeo R, Knapp M.(2007).«Poverty and Disadvantage Among Prisoners' Families», Joseph Rowntree Foundation.
- Turney K.(2014).«Neither Here Nor There: Incarceration and Family Instability», *Focus* Vol.30, No.2:21-25
- Weaver B and Nolan D.(2015).«Families of Prisoners: A Review of the Evidence»,Glasgow: Centre for Youth & Criminal Justice, University of Strathclyde.
- Woodward R.(2003). «Families of Prisoners: Literature Review on Issues and Difficulties». Australian Government Department of Family and Community Services